

در صفحه ۱۲ بخوانید...

■ نامه‌های نامکن و نامه‌های ممکن | محمد آثور

■ باید تارناب صوفی خود را توضیح کنیم | اسامک جهانگیری

■ آجیل شیرین | از بیا خانی

... و...



برونده اول

خاور بی میانه

چهارشنبه ۱۶ مهر ۱۳۹۲



در خاور میانه چه می‌گذرد - پرونده دوم

امتناع معاصر شدن

با حضور مصطفی مهر آئین، بیژن عبدالکریمی، احمد شیرزاد، سعید لیلاد، سیاوش جمادی و لطف‌الله آجادی



وقرات‌های گوناگون از اسلام در گفت و گو با اعظم طالقانی

خاور میانه

می‌توانست در مسیر عقلانیت باشد

در فقدان خواتن موسع از اسلام، خطرات بزرگی ما را تهدید می‌کند

صفحه ۱۱-۱۱



مصطفی مهر آئین
جامعه‌شناس

۱) بی‌شک، در این روزها پرسش از آنچه در خاور میانه می‌گذرد و چینی آن نه تنها مهم‌ترین پرسش برای همه کسانی است که در این منطقه زندگی می‌کنند و نام مسلمانان بر خود دارند، بلکه پرسش برای ذهن روشنگری است که آنچیز را در خاور میانه می‌بیند، مردم مسلمانان و غیرمسلمانان در فغانستان عراق، سوریه، یمن، لبنان، فلسطین، بحرین، و... به جان یکدیگر افتاده‌اند و در آرزوی تصاویر وحشتناک و آنچه ناانسان، انسان از یکدیگر سبقت می‌گیرند.

۲) می‌توان هفتصد تحلیلگر سیاسی و متخصصان روابط بین‌الملل ریشه این مسائل را به منابع قدرت و منابع در گستره جهان بازگرداند و باز بگردد تا تحلیل‌های همگی در خصوص ارزش استراتژیک این منطقه، جایگاه نفوذ و کار در اقتصاد جهانی خفیه شدن مسلمانان وجود حکومت‌های ایدئولوژیک و استبدادی، تارناب‌های فتنه‌ها، طغیان، تارنابی و عدم توسعه، پرداخت این باادداشت‌ها، نگاه دیگر به این منازعات خواهد داشت و بی‌اعتنا به تمامی این نمونه از تحلیل‌های کلان سیاسی-امنیتی می‌گوشد و همواره آنچه معصای جاری، متفکر بزرگ عرب در پروژه فکری خود با نام نقد عقل عربی، بر آن تأکید نهاده ریشه این منازعات را به قدرت‌های مسلمانان تعیین یافته تاریخی در مقابل تلاش‌های غرب را در دوران معاصر در خاور اسلام سعی در ایجاد تفریب و تضعیف قدرت آن داشته‌اند و گوشه‌اند ما را عصری، ما معاصران کندند.

۳) جابری، مهم‌ترین مسأله جهان اسلام، پروژه جهان عرب را تفکر دریا به معاصر شدن، می‌داند. او می‌داند که در مدلی می‌داند که جهان اسلام سعی در ایجاد تفریب و تضعیف قدرت آن داشته‌اند و گوشه‌اند ما را عصری، ما معاصران کندند.

سعید لیلاد
تحلیلی سیاسی-فلسفاتی

سه‌والی به این مفهوم برسیده می‌شود که چرا در خاور میانه، جهان هسته، جهان مذهبی، افراط‌گرایی، فرقه‌گرایی، تعصب، عقیده‌اندکی تاریخی و مادی از این دست و واکنش‌ها تأکید و پرسش‌ها بر آن است که نسبت که چرا همه از تفاسات در این منطقه جغرافیایی و نه در جای دیگری در دنیا می‌افتد؟ در خاور میانه فانه چه چیزی وجود دارد که این اتفاق به دنبال آن ظهور و بروز می‌یابد؟

تعریف می‌کنند و آنها تنها در بستر گذشته‌های خود قابل فهم می‌سازند. مرمان گرفتار در دام تاریخ، تریخت، مردمی هستند که دامنه تاثیر گذاری گذشته از چنان وسیع و گسترده ساخته‌اند که گذشته، حتی آینده آنها را نیز تسخیر کرده است. در این حالت گذشته از چنان قدرت و اهمیتی برخوردار می‌شود که حتی از قبیل جنس یا نوع پرستی برای همه یک ملت را مشخص می‌کند و به آنها پاسخ می‌دهد. جابری، بیوند امر این گذشته را در همه حوزه‌ها مشاهده و بر این نکته تأکید می‌کند که امریات همه وجود ما امر از احساس، عقل، مذهب، علائق، سیاست، نوع حکومت، شیوه بیان اعتراض، شیوه دولت‌داری، شیوه نفوذ و زمین و زمان همه در پیوند با امر است. آنچه محدود ساخته است از نگاه جابری، البته گذشته در این میان از بیشترین اهمیت برخوردار است و باید آن را قبل از همه دیگر لمداد از چنبره جابری مهم‌ترین و قدرتمندترین محرک پیوند ما با گذشته را همان «اندیشه» ما می‌داند. او پس از طریقی ساله فلسفی، عصری شدن، از راه کانون پروژه فکری خود فرار می‌دهد و به طرح این پرسش می‌پردازد که اما مسلمانان چگونه می‌توانیم در عصر «اصیل‌اندن»، عصری، با معاصر شویم؟ ما چگونه می‌توانیم در ساخت‌اندیشه با معاصر ساخت رابطه با خود و جهان دیگران معاصر و نو شویم؟ جابری مهم‌ترین پاسخ این پرسش را چنین می‌داند: نقد میراث، بنا به امور جاری، ما تنها با نقد گذشته و میراث خود قادر به راهی از قدرت تعیین بخش گذشته هستیم. اکنون تمامی نکته به شیوه پرورج جابری، گذشته میراث برمی‌گردد. چگونه می‌توان مفهوم‌سازی از گذشته میراث که این ساختار در برابر قدرت بی‌نام تاریخ، سازد قدرتی که می‌تواند همه وجود ما را در چنبره خود دوره و مقید و مشروط به مرزهای خود کند؟ از اینجا است که جابری به سمت استفاده از اندیشه‌های متفکران مسلمانان گرفتار در تحلیل فرهنگ از قبیل لالاد، پیاز، سوسوسا، انتروسی،

فوکو، اوتوسو، حرکت می‌کند و در قالب بررسی «چگونگی تکوین عقل عربی» و شناخت «ساختار درونی» آن، پروژه عقل عربی خود را بنیان می‌نهد. جابری، در این جا در عین رفتن به سمت دیدگاه نوین مسلمانان گرایی، راه خود را از دیگر متفکران مسلمانان در برخورد با میراث و گذشته متمایز می‌سازد. او معتقد است، متفکران دیگری نیز به راهی او یعنی نقد میراث و گذشته، دیگر دارند. اما آنها قادر به انجام این کار نیستند، زیرا در نهایت موفق به خویش میراث به واسطه خود میراث می‌شوند و میراث را از درون میراث مردم درسی فرا می‌دهند. او در این جا به نقد بنیادگرایان، مارکسیست‌ها و مسوئولان می‌پردازد و می‌گوید: نشان دهد چرا پروژه فکری آنها در نقد تاریخیت تا کاهو عقیده مالد است.

جابری، دریافت مسلمانان گراییه خود از میراث و مفهوم‌سازی خود از میراث به عنوان گذشته عقل عربی، را بر سه تریبون روگرد جابری مهم‌ترین و قدرتمندترین محرک پیوند ما با گذشته را همان «اندیشه» ما می‌داند. او پس از طریقی ساله فلسفی، عصری شدن، از راه کانون پروژه فکری خود فرار می‌دهد و به طرح این پرسش می‌پردازد که اما مسلمانان چگونه می‌توانیم در عصر «اصیل‌اندن»، عصری، با معاصر شویم؟ ما چگونه می‌توانیم در ساخت‌اندیشه با معاصر ساخت رابطه با خود و جهان دیگران معاصر و نو شویم؟ جابری مهم‌ترین پاسخ این پرسش را چنین می‌داند: نقد میراث، بنا به امور جاری، ما تنها با نقد گذشته و میراث خود قادر به راهی از قدرت تعیین بخش گذشته هستیم. اکنون تمامی نکته به شیوه پرورج جابری، گذشته میراث برمی‌گردد. چگونه می‌توان مفهوم‌سازی از گذشته میراث که این ساختار در برابر قدرت بی‌نام تاریخ، سازد قدرتی که می‌تواند همه وجود ما را در چنبره خود دوره و مقید و مشروط به مرزهای خود کند؟ از اینجا است که جابری به سمت استفاده از اندیشه‌های متفکران مسلمانان گرفتار در تحلیل میراث کار خود فرار دهد.

یادداشت

وجود جهل، و فقدان دموکراسی

وهله اول، هیچ ربطی به غرب و شرق ندارد. کشورهای خاور میانه، اکثر کشورهای هستند که یا دموکراسی ندارند یا دموکراسی می‌پسندند دارند و فضای عمومی جوامعشان فضای رعب و وحشت است. در چنین فضایی است که شرایط بهره‌رسانی و سواستفاده کشورهای این فراموش می‌شود. اولین مشکل خاور میانه، این است که نفت در دافتنی که با وجود سایر منابع انرژی‌های که وجود دارد، هنوز شاهرگ حیاتی جهان است.



مشکل دیگری که وجود دارد، شرایط جغرافیایی سیاسی خاور میانه و کشورهای این منطقه است. خاور میانه و خصوصاً ایران، که خسرویی سابق را به احسان می‌کند، مستطانی را به وجود آورده که تبدیل به یک منطقه استراتژی است. در این منطقه، خاور میانه به آنها پیوسته‌اند. اینها ساختار مناسبت نیست تاریخ بر این گفته‌ها کوهی می‌دهد که مسائل تاریخی و مناسبت سیاست، قدرت و جهل، پیام صلح و برابری و برابری پیامبران و فرستادگان خداوند و ناسنج صلح را سه افراط، ترسناک، خصم، خونت و خونریزی می‌دهد. هیچ شمع جابری فیلسوفی را در هیچ منطقه خاور میانه نداشته باشند. آنها به خاطر مشافهات چنان زد و بند می‌کنند که فیلسوف دیگری را صادر کرده باشد، اما مدعی امر مقدس، قسم

مشکل خاور میانه و جهل موجود در آن کشورها، تنها با تحقق یک دموکراسی سالم و حقیقی، رفع می‌شود. بنده گمان نمی‌کنم که کشورهای غربی و آمریکا علاقه‌ای به ایجاد چنین دموکراسی در منطقه خاور میانه داشته باشند. آنها به خاطر مشافهات چنان زد و بند می‌کنند که فیلسوف دیگری را صادر کرده باشد، اما مدعی امر مقدس، قسم

مشکل خاور میانه و جهل موجود در آن کشورها، تنها با تحقق یک دموکراسی سالم و حقیقی، رفع می‌شود. بنده گمان نمی‌کنم که کشورهای غربی و آمریکا علاقه‌ای به ایجاد چنین دموکراسی در منطقه خاور میانه داشته باشند. آنها به خاطر مشافهات چنان زد و بند می‌کنند که فیلسوف دیگری را صادر کرده باشد، اما مدعی امر مقدس، قسم

به کلی متفاوت می‌شود و بحث خونت و حکم مرگ پایش به میان می‌آید. در هر صورت، مشکل خاور میانه و جهل موجود در آن کشورها تنها با تحقق یک دموکراسی سالم و حقیقی، رفع می‌شود. بنده گمان نمی‌کنم که کشورهای غربی و آمریکا علاقه‌ای به ایجاد چنین دموکراسی در منطقه خاور میانه داشته باشند. آنها به خاطر مشافهات چنان زد و بند می‌کنند که فیلسوف دیگری را صادر کرده باشد، اما مدعی امر مقدس، قسم

جنگ‌های فزاینده، نبود چنین جنگ‌هایی شاید برای آنها بهتر نیست و خدا کند که آتش این جنگ فعلی به صورت خشوع و سستی مشغول شود و آنها به یک چشم به هم خورند. در این بین، خاور میانه و جهل موجود در آن کشورها تنها با تحقق یک دموکراسی سالم و حقیقی، رفع می‌شود. بنده گمان نمی‌کنم که کشورهای غربی و آمریکا علاقه‌ای به ایجاد چنین دموکراسی در منطقه خاور میانه داشته باشند. آنها به خاطر مشافهات چنان زد و بند می‌کنند که فیلسوف دیگری را صادر کرده باشد، اما مدعی امر مقدس، قسم

زیادی تاریخ و کمی جغرافیا!

اگرچه باسخی به این پرسش، بدیهه، باید بگویم که وجود چنین فرشی را در این سوال، قبول ندارم. این که خاور میانه تنها جایی است که دنیا در چنین کش‌ها و واکنش‌های افراط‌گرایی و عقیده‌اندکی تاریخی و جنایت‌ها و خون‌آلود می‌تواند وجود داشته باشد، می‌تواند اما کم که خاور میانه منطقه‌ای نیست که پیش از سایر نقاط جهان شاهد چنین معضلاتی هستیم. یک زمانی - نه چندان دور - کشورهای حوزه دریای کارائیب در دهه ۷۰ و ۸۰